



گام بلند پس از گسست ترسناک

دو دهه‌ی پسین در واقع بستر تازه و زمینه‌ی جدید در راستای فعالیت‌های زنان است. در این دو دهه علی‌رغم چالش‌های بی‌شمار در برابر زنان، آنان توانستند با تمام کمی و کاستی‌ها جایگاه و حضور زنان را در جامعه به یک امر انکارناپذیر و معنادار مبدل سازند. وقت به گذشته‌ی حضور و فعالیت زنان نگاه می‌کنیم. مسیر حضور زنان در جامعه با گسست وحشت‌ناکی مواجه شد و زنان به گونه‌ی کامل از صحنه‌ی سیاست، فرهنگ و اجتماعی دور شدند. نقش زنان در داخل افغانستان محدود به کار و فعالیت داخل خانه شد، اما در دو دهه‌ی پسین زنان توانستند گام بلند بردارند و حضور و نقش‌شان را در جامعه تثبیت کنند.

هرچند زنان هنوز با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند، اما باور به عقب‌گرد در میان زنان محکوم است. آنچه زنان امروز را با زنان دو دهه پیش متمایز می‌سازد، آگاهی از حقوق و آزادی‌های شان، نگاه عدالت‌خواهانه و انسانی، تلاش برای دستیابی به فضای مسالمت‌آمیز میان تمام اقشار مختلف و این واقعیت که نمی‌شود بدون حضور و نقش زنان، جامعه را به رفاه و توسعه رساند. زنان افغانستان ثابت کردند که پس از فروافتادن در فضای تاریک تاریک‌اندیشان قرن، اکنون با قامت استوارتر از همیشه پا به میدان گذاشته‌اند. به تمام ناملاتی‌های موجود نه گفتند و از سد دشواری‌های فراوان پیروزمندان عبور کردند.

این دست‌آورد بزرگ محقق شدنی نبود، مگر به تلاش و تکاپوی بانوان مبارز و استوار قدم که سال‌ها با تحمل و وجود تبعیض ساختارمند و هدفمند. امروز نیز زنان با قدرت در صحنه‌ی سیاست، اجتماع، فرهنگ، اقتصاد، هنر و ورزش حضور دارند. حضور زنان در تمام عرصه‌ها انکارناپذیر است. فعالیت‌های زنان در راستای حقوق و آزادی، فعالیت‌های مدنی و شهروندی زنان، تلاش برای رفاه و توسعه‌ی کشور، اراده برای ساختن افغانستان آزاد، آباد و عاری از تبعیض و تعصب ستودنی است. زنان در دو دهه‌ی پسین از سیاست تا فرهنگ، از اقتصاد تا امنیت، از ورزش تا هنر و حضور معنادار در جامعه‌ی خوش درخشیدند. نقش زنان همواره در راستای بهبود وضعیت کشور بوده است.

تحولات اخیر در کشور سبب به میان آمدن نگرانی‌های جدی در میان زنان شده است. هرچند این نگرانی‌ها بی‌جا نیست. اما باور و اعتماد که به نیروی قدرتمند زنان وجود دارد، این نگرانی‌ها محقق نخواهد شد و هیچ گروه یا دسته‌ی نمی‌تواند در مقابل زنان بی‌ایستند و حقوق و آزادی‌های آنان را نادیده بگیرند. زنان با قامت استوار و چشم‌انداز روش از آینده به پیش خواهند رفت و این امید که به فردای با ثبات و مرفه که در آن همه‌ی انسان‌ها به گونه‌ی مسالمت‌آمیز و با احترام متقابل به حقوق و آزادی‌های هم‌دیگر زندگی کنند، محقق خواهد شد.

زنان و مشارکت سیاسی

و نیازمند مبارزات بیشتر بوده/می‌باشد؛ بحث مشارکت سیاسی زنان و سهم‌سازی آنان به صورت مساویانه در حکومت، قدرت و سیاست است که امروزه با وجود حمایت قانونی؛ جنجال‌برانگیز است.

در کشورهای مُدرن شروع حرکت‌های سیاسی زنان و حق مشارکت در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را می‌توان در قرن هژده یافت که

فرهنگی شکل گرفته و امروز به یک پدیده‌ی غیر قابل انکار و نیز از جمله‌ی حقوق اساسی همه‌ی شهروندان کشورها؛ اعم از زنان و مردان مبدل شده است. اگر به تاریخ نگاه کنیم بحث مشارکت سیاسی در زمان ارسطو مطرح بوده و تلاش‌های چشم‌گیری به خاطر سهم‌سازی اتباع کشورها در قدرت، سیاست و حق اشتراک در انتخابات (انتخاب شدن و انتخاب نمودن) صورت گرفته است. اما بحثی که قابل تأمل

ما بریده شد، به آتش کشیده شدیم، سنگسار مان کردند و دست و پای ما با تیشه و تیر قطع شد تا توانستیم از لجن‌زار تیره روزی‌ها و از بن‌بست‌های تیره و تاری که سرنوشت ما را به تباہی می‌کشاند، رهایی یابیم.»

بحث مشارکت سیاسی نخست در اثر سعی و تلاش مردان و زنان برای دستیابی به حقوق اساسی و سهم‌گیری شان در حکومت و تمام فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی



روایت

کهریسنا سیدی

«ما به قیمت از دست دادن فرخنده‌ها و رخشان‌ها و با قربانی آرزوهای یک نسل توانسته‌ایم دایره‌ی را برای حضور خود در اجتماع ترسیم کنیم. ما مسیرهای دشواری را پیمودیم تا توانستیم خود را به عنوان نیم از پیکر اجتماع خلق کرد ثابت نماییم. ما برای داشتن یک زندگی اجتماعی، خود کفا و مترقی سر، دست و تن خود را قربانی نمودیم، بینی‌های

حبیبه سرابی:

تغییری در ذهنیت طالبان

نسبت به زنان به وجود نیامده

در مراسم افتتاحیه گفت‌وگوهای صلح اکثریت کشورها روی موضوع زنان تأکید داشتند. این موضوع ناخواسته نبوده بلکه آگاهانه بیان شده است تا به طالبان بفهمانند که بدون حضور زنان ممکن نیست که روند صلح به کامیابی برسد. کشورهای اروپایی به صورت عموم، اتحادیه اروپا و کشورهای شمال اروپا به صورت قاطعانه در مورد حفظ حقوق و آزادی‌های زنان صحبت کردند. وزیر خارجه اندونزی و شماری دیگر از کشورهای اسلامی نیز بر حفظ حقوق زنان افغانستان در پروسه‌ی صلح تأکید ورزیدند.

چالش‌های زنان دایکندی در نهادهای عدلی و قضایی

می‌خواهم آزاد باشم بیاموزم و در اجتماع، رسانه‌ها، تجارت، بخش‌های فرهنگی و سیاسی فعالیت نمایم. مرا نمی‌توانید در بند ساخت. بدون داشتن بال و پر پرواز خواهم کرد. به آسمان‌ها و به آنسوی کهکشان‌ها خواهم رفت با اراده محکم و توانایی‌های نهفته خود حرکت خواهم کرد.

هراس دارم از آنچه که سخنان و دغدغه‌ها بر زبان‌ها داد می‌زند که مبادا تاریک‌ترین دوران دوباره به کشور مسلط شود و زحمات چشمگیر زنان نقش بر آب گردد. هرچند تفکرات افراط‌گرایان بجا مانده و سنت‌های ناپسند حاکم در شهر، کوجه و پس کوجه‌های کشور سد راه زنان و دختران افغانستانی وجود دارد با این حال کم نیستند زنانی که در اجتماع حضور پررنگ دارند.

می‌شناسم زن‌های با شهامت را که همواره با چالش‌ها مبارزه می‌کنند، مبارزه برای زنده ماندن، مبارزه برای زندگی کردن، مبارزه برای مهیا ساختن لقمه نان به فامیل خویش، مبارزه با محیط، مبارزه برعلیه بی‌عدالتی‌ها، مبارزه برای خواستن حق و عدالت، مبارزه برعلیه همه نکات منفی که مداوم در جریان است.

بیم آن می‌رود که یکبار دیگر حقوق زنان پایمال و دست‌آوردهای آنان که در دو دهه‌ی گذشته قابل ملاحظه بوده‌اند از بین رود.

دایکندی پنداشته می‌شود و همچنان کمبود دادستان (سازنوال) زن، نبود وکیل مدافع و قاضی زن باعث می‌شود، زنان متضرر از خشونت به عدالت رسمی دسترسی پیدا نتوانند.

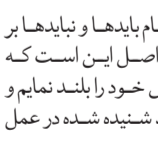
عاقله موسوی تنها وکیل مدافع آزاد زن در دایکندی است. او از عدم دسترسی زنان دایکندی

به عدالت رسمی اظهار نگرانی می‌کند و می‌گوید آمار خشونت علیه زنان در سطح ولایت دایکندی خیلی بیش‌تر از آن است که آرایه می‌شود، آمارهای آرایه شده توسط نهادهای عدلی و

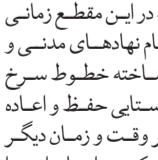
ولایت دایکندی با جغرافیای خشن و در چنگال فقر به لحاظ خشونت علیه زنان در سطح افغانستان، در رده سوم قرار دارد. فقر، ناامنی، پایین بودن سطح آگاهی جامعه، رسوم و عنعنات ناپسند، از جمله عوامل خشونت علیه زنان در



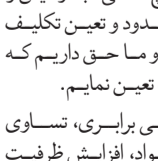
دیدگاه
کهریلوفر الهام اکبری



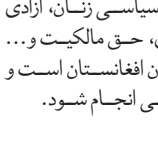
دیدگاه
کهریلوفر الهام اکبری



دیدگاه
کهریلوفر الهام اکبری



دیدگاه
کهریلوفر الهام اکبری



دیدگاه
کهریلوفر الهام اکبری



گزارش
کهریلطفه سادات موسوی



گفت‌وگو
حسین احمدی

گفت‌وگوی ویژه هفته‌نامه نیم‌رخ یا دکتر حبیبه سرابی، عضو هیأت گفت‌وگو کننده دولت در دوحه

حبیبه سرابی:

تغییری در ذهنیت طالبان نسبت به زنان به وجود نیامده

پیام من به زنان و همه هموطنان عزیزم این است که در مورد سرنوشت پروسه‌ی صلح حوصله داشته باشند. روند گفت‌وگوها و تمام امور مربوط به صلح را تعقیب و نظارت کنند، اما انتظار نداشته باشند که گفت‌وگوها بسیار زود به نتیجه برسد. گفت‌وگوهای صلح و ختم جنگ چندین دهه‌ای یک روند پیچیده و زمانبر است. نیاز به دقت بیشتر دارد. به این دلیل که ما نتیجه‌ی مطلوب می‌خواهیم. ما نباید کیفیت را قربانی سرعت کنیم.



خانم سرابی؛ گفت‌وگوهای صلح چگونه به پیش می‌رود؟ از آخرین تحولات در گفت‌وگوها بگویید!

از یک هفته بدینسو در روند گفت‌وگوهای صلح تحولات جدی رخ نداده است. روند به کندی پیش می‌رود. به این دلیل که پیشنهادهای ارایه شده از جانب هیأت گفت‌وگو کننده‌ی دولت از سوی گروه طالبان پاسخ مثبت نگرفته است. اما نشست‌های مشترک گروه‌های تماس هر دو هیأت ادامه دارد و نفس دوام تلاش‌ها برای گفت‌وگوها امیدوار کننده است.

دلیل اینکه تاهنوز روی طرز العمل گفت‌وگو توافق صورت نگرفته چیست؟ مشخصاً نکات اختلافی دو طرف کدام است؟

فعلن مورد اختلافی عمده توافق‌نامه دوحه است که میان گروه طالبان و ایالات متحده امریکا به امضا رسیده بود.

در دور نخست گفت‌وگوها بحث ارزش‌های دموکراتیک مثل انتخابات، حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی‌های فردی و آزادی بیان در آجندا است؟

ما تاهنوز روی طرز العمل کاری گفت‌وگوها کار می‌کنیم. زمانی که طرز العمل به پایان برسد و هر دو جانب به توافق برسیم، باز روی آجندای گفت‌وگوها بحث خواهیم کرد. یعنی هنوز ما وارد آجندای گفت‌وگوها نشده ایم. وقتی روی چارچوب آجندا به تفاهم رسیدیم، باز روی تمامی مواد آجندا بحث خواهیم کرد.

کدام دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی و همکاران افغانستان، بیش‌تر بر حفظ ارزش‌های دموکراتیک، به ویژه حقوق و آزادی زنان تأکید دارند؟

در مراسم افتتاحیه گفت‌وگوهای صلح اکثریت کشورها روی موضوع زنان تأکید داشتند. این موضوع ناخواسته نبوده بلکه آگاهانه بیان شده است تا به طالبان بفهمانند که بدون حضور زنان ممکن نیست که روند صلح به کامیابی برسد. کشورهای اروپایی به صورت عموم، اتحادیه اروپا و کشورهای شمال اروپا به صورت قاطعانه در مورد حفظ حقوق و آزادی‌های زنان صحبت کردند. وزیر خارجه اندونزیا و شماری دیگر از کشورهای اسلامی نیز بر حفظ حقوق زنان افغانستان در پروسه‌ی صلح تأکید ورزیدند. اکثریت به اتفاق کشورها روی موضوع زنان، حقوق بشر، قربانی‌های جنگ و حقوق اقلیت‌های کشور تأکید داشتند.

در مورد جایگاه حقوق زنان در آجندای گفت‌وگوها، آیا اعضای هیأت گفت‌وگو کننده دولت همه یکدست استند؟

هیأت گفت‌وگو کننده دولت چگونه است؟

اگر ما راجع به دیدگاه طالبان فکر کنیم، معلوماتدار است که دیدگاه طالبان تغییر نکرده است. نوع نگاه طالبان نسبت به زنان همان است که در دهه نود میلادی داشتند. این موضوع از روی هرگونه ابزار نظرها و رفتارهای طالبان فهمیده می‌شود. برخورد اعضای هیأت گفت‌وگو کننده طالبان با زنان عضو هیأت گفت‌وگو کننده دولت نگاه جنسیتی و عین رفتاری است که این گروه قبلاً با زنان در داخل افغانستان داشتند.

شان رو برگردانند. این است برخورد نمایندگان سیاسی گروه طالبان با یک زن. زنی که طرف گفت‌وگو با آنهاست تا به توافق صلح دست یابیم. روگرداندن آنان از مواجهه با یک زن، نوع برخوردی است که اکثریت اعضای طالبان دارند.

پس در میز گفت‌وگوها چطورند؟

طالبان زنان را در میز گفت‌وگو منحیث یک واقعیت جامعه‌ی افغانستان پذیرفته است. همانگونه که ما گروه طالبان را منحیث یک واقعیت جامعه‌ی خود پذیرفته‌ایم؛ ولو خشونت



می‌کنند و یا تفنگ برداشته جنگ می‌کنند. بازم باید نشست برای حل موارد اختلافی باهم صحبت کنیم. همین‌گونه، گروه طالبان نیز زنان را منحیث یک واقعیت غیرقابل انکار پذیرفته‌اند. طالبان باید بپذیرند که پروسه‌ی صلح بدون زنان به موفقیت نخواهد رسید. آن‌ها باید به این موضوع تمکین کنند که جامعه‌ی امروزی افغانستان و زنان امروز با دهه نود میلادی تفاوت بسیار دارند.

به طور نمونه، من و آقای منصور نادری، وزیر دولت در امور صلح باهم از دهلیز هتل می‌گذشتیم که با یک گروه شش نفری از اعضای طالبان مواجه شدیم. ما باهم بودیم، اما اعضای گروه طالبان فقط با آقای نادری احوال‌پرسی کردند و مرا کامل نادیده گرفتند. بنابر اصول گفت‌وگوها با آقای نادری بسیار راحت و عادی احوال‌جویی کردند اما به خاطر جنسیت مرا نادیده گرفتند و تعدادی

در پرتو ارزش‌های دموکراتیک می‌توانیم صدا داشته باشیم و از حقوق مدنی مساوی منحیث یک شهروند افغانستان برخوردار باشیم. به همین ترتیب، وقتی که زنان و مردان در کنار هم برای حفظ حقوق شهروندی، ارزش‌های حقوق بشری و نظام دموکراتیک مبارزه کنند، مردم افغانستان موفق خواهند بود.

برخورد و دیدگاه طالبان با زنان عضو

حدود سه هفته شد، اما هیأت‌های دولت و طالبان تاهنوز روی طرز العمل و آجندای گفت‌وگوها به تفاهم نرسیده‌اند، آیا امیدواری وجود دارد که این دور گفت‌وگوهای صلح موفقانه به پیش برود؟

ما در یک دور گفت‌وگو به توافقی دست نخواهیم یافت. اما امیدواریم که گفت‌وگوها و تلاش‌های فعلی راه را برای دور دوم گفت‌وگوها باز کند. ما با امید و خوشبینی آمده‌ایم که دور نخست گفت‌وگوها با موفقیت به پایان برسد. ولی این هم ممکن است که در جریان روند اتفاقی بیفتد و پروسه به چالش کشیده شود. یعنی ما نمی‌توانیم صد در صد تضمین کنیم که دور اول گفت‌وگوها موفق خواهد بود. ولی این امکان و تلاش‌ها هم وجود دارد که ما دور نخست گفت‌وگوها را موفقانه سپری کنیم و راه برای توافق نهایی باز شود.

امریکا منحیث بازیگر و ناظر اصلی پروسه‌ی صلح، چقدر بر حفظ ارزش‌های دموکراتیک و حقوق و آزادی‌های زنان و رسانه‌ها در افغانستان متعهد است؟ چون برخی از مردم نسبت به سیاست امریکا در قبال افغانستان دچار شک و تردید شده‌اند، آیا هیأت گفت‌وگو کننده به رفتارهای امریکا اعتماد دارد؟

فعلن تمام تلاش جامعه‌ی جهانی و گروه حمایتی گفت‌وگوهای صلح همین است که روند موفقیت‌آمیز باشد. در مورد امریکا، بدون شک که اعتماد وجود دارد. اگر دولت به سیاست‌های امریکا در قبال افغانستان اعتماد نمی‌داشت به گفت‌وگو حاضر نمی‌شدیم. اعتماد وجود دارد. تا جایی که ما زنان عضو هیأت گفت‌وگو کننده دو بار با زلمی خلیل‌زاد، نماینده خاص ایالات متحده امریکا در امور صلح افغانستان نشست داشتیم، در این موارد نیز صحبت کردیم. فعلن نظر شان نسبت به موفقیت دور نخست گفت‌وگو و کلیت پروسه‌ی صلح نیک و خوشبینانه است. اما رویکرد واقعی امریکا در عمل ثابت خواهد شد که چگونه برخورد صورت خواهد گرفت. فعلن در این مورد نظر خاصی ندارم.

در آخر اگر پیامی در مورد زنان و صلح دارید بفرمایید.

پیام من به زنان و همه هموطنان عزیزم این است که در مورد سرنوشت پروسه‌ی صلح حوصله داشته باشند. روند گفت‌وگوها و تمام امور مربوط به صلح را تعقیب و نظارت کنند، اما انتظار نداشته باشند که گفت‌وگوها بسیار زود به نتیجه برسد. گفت‌وگوهای صلح و ختم جنگ چندین دهه‌ای یک روند پیچیده و زمانبر است. نیاز به دقت بیشتر دارد. به این دلیل که ما نتیجه‌ی مطلوب می‌خواهیم. ما نباید کیفیت را قربانی سرعت کنیم. گفت‌وگوها شاید در جریان پروسه با تأخیر و چالش‌هایی مواجه شود، اما ما تلاش داریم این گفت‌وگو به گونه‌ای به پیش برود که خواست مردم افغانستان برآورده شود و حقوق و ارزش‌های شان محفوظ بماند. در این جریان، شهروندان افغانستان باید پروسه را نظارت کنند و اگر ما دچار خطایی شدیم متوجه بسازند؛ ولی بازم تکرار می‌کنم که هموطنان ما در مورد روند گفت‌وگوها حوصله داشته باشند و به جای نتیجه سریع، نتیجه‌ی مطلوب را بخواهند، ارچند کمی دیرتر به آن دست یابیم.

چالش‌های زنان دایکندی در نهادهای...



می‌گوید: در تشکیلات محکمه استیناف دایکندی، پنجاه درصد با کمبود قاضی مواجه است. گرچند از آمار قاضیان موجود در این محکمه چیزی نمی‌گوید، اما تأیید می‌کند که به تعداد شش قاضی زن در تشکیلات ولایت دایکندی بیش از شش سال می‌شود در ستره محکمه کشور به گونه‌ی خدمتی ایفای وظیفه می‌کنند و حاضر نیست که به ولایت دایکندی بیایند.

حقوقی به محکمه آمده بود و از وی در بدل رسیدگی به دوسیه‌اش تقاضای جنسی شده بود، به همین دلیل دست به خودکشی زد و از سوی همسایگانش نجات یافت. او می‌گوید: «به من گفت اگر یک مدت با من صیغه (عقد موقت) شوی دعاوارا به نفع تو خلاص می‌کنم.» ابوبکر صدیقی رییس محکمه استیناف دایکندی با پذیرفتن نبود قاضی زن در دایکندی

عدالت رسمی نیاز جدی به افزایش دادستان‌ها (سازنوالان) زن، وکیل‌های مدافع و قاضی‌های زن دارند. با اینحال نهادهای مدنی دایکندی می‌گویند دادخواهی‌های آنان نیز در این زمینه بی‌نتیجه بوده است. لیلا حسینی مسوول انجمن زنان پیشگام در نیلسی می‌گوید: در این زمینه دادخواهی‌های دوامدار با ریاست محکمه استیناف دایکندی و والیان این ولایت داشته است، اما تا اکنون به هیچ نتیجه‌ای نرسیده است.

«از آنجای که آمار خشونت علیه زنان دایکندی در حال افزایش است، برای دسترسی متضرران به عدالت رسمی موجودیت قضاوت زن در دایکندی یک امر ضروری است. در محکمه‌ی استیناف دایکندی کاملن دید مردسالاری به قضایا حاکم است و پرونده‌ها به گونه‌ی درست بررسی نمی‌شود. بارها شاهد این موضوع بودم که زنان به خاطر مواجه شدن با سازنوال و یا قاضی مرد، از دعوا انصراف داده است.»

در همین حال کبریا یک خانم ۳۵ ساله می‌گوید که چندی پیش به خاطر یک دعوی

قضایی بیانگر خشونت علیه آنان است که حاضر می‌شوند برای به‌دست آوردن حقوق شان به نهادهای عدلی و قضایی مراجعه کنند.

«تتها زانی که در مرکز دایکندی زندگی می‌کنند به عدالت رسمی دسترسی دارند، زانی که در قرا و قصبات دایکندی زندگی می‌کنند حتا از کوچک‌ترین حقوق انسانی خود نیز آگاهی ندارند و در مقابل خشونت‌ها هیچ اعتراضی نمی‌کنند و یا به خاطر حفظ آبرو و حیثیت خود و خانواده‌ی خود سکوت می‌کنند، ازسوی هم واحدهای سومی سازنوالی در والسوالی‌های دایکندی وجود ندارد. زنان متضررخشونت وقتی به نهادهای عدلی و قضایی مراجعه می‌کنند با مشکلات نبود وکیل مدافع زن، مشاور حقوقی، سازنوال و قاضی‌های زن روبه‌رو می‌شوند و این باعث می‌شود حتا از مراجعه به نهادهای عدلی و قضایی منصرف شوند. متأسفانه با تمام این مشکلات، شش قاضی زن از آدرس دایکندی در کابل معاش بگیر هستند.»

او می‌افزاید زنان دایکندی برای دسترسی به

«اجرات محکمه منع خشونت و دیوان منع خشونت به خاطر نبود قاضی زن، با کدام مشکل جدی برنخورده است، اما تراکم و حجم کاری زیاد و تعداد قاضیان کم است. بست‌های پنجاه درصد قاضی‌ها خالی است و تقاضای ما هم از ستره محکمه کشور این است که در تعیینات قاضی‌ها در دایکندی تجدید نظر کند.»

همانگونه که زمینه‌ی کار برای زنان در دایکندی مساعد است و حضور چشم‌گیر آنان در ادارهای دولتی، مکتب‌ها، دانشگاه‌ها و دیگر عرصه‌ها قابل توجه است، برای قاضی‌های زن نیز مساعد می‌باشد. به گفته‌ی مسوولان نهادهای عدلی و قضایی به خاطر دشوارگذر بودن راه‌های مواصلاتی دایکندی تا مرکز کشور و نبود میدان هوایی معیاری رفت و آمد برای قاضی‌ها و مقام‌های بلند پایه دشوار است.

به باور آگاهان و فعالان حقوق زن در ولایت دایکندی تنها زمینه‌ی دسترسی زنان به عدالت رسمی، افزایش سازنوالان زن، وکیلان مدافع و مساعد حقوقی زن، افزایش واحدهای سومی سازنوالی در والسوالی‌ها و قاضی‌های زن در محاکم می‌باشد.

نیم‌رخ دیگر



دیدگاه

کجھ امین آرمان

انسانیت، در گرو آدم‌های بی باور به آن؛ زن هم انسان است!

ما در یک انسان است، همان قدری که پدرم انسان است. خواهر و خانم هم انسانند، همان قدری که من و برادر هستم. زن همسایه و زن هم‌وطنم، همان قدر انسانند که مردان شان هستند. این برابری، خود برابری انسانی است. سوا از این که فکر و سنجش کنیم که چرا زنان نسبت به مردان در سویی پابین تر قرار دارند و چرا مردان از دیده شدن موی روی دختر، خواهر، همسر و نزدیکان شان می ترسند، غیرتی می شوند و حتا دست به خشونت می زنند و چرا در مورد دیدن اندام و ابروی زنان و دختران همسایه و بیرون خانه خود، دید باز دارند، چشمان شان تیزتر می شوند؛ به لحاظ انسانی، انسان زن با انسان مرد برابر است. در کرامت انسانی، در حق های انسانی، با هم برابرند. تفاوت ها و تبعیض های ضد انسانی و خشونت بار یا شهوت انگیز، حاصل دیدگاه ها و باورهای نابرابری است که زن را به حیث انسان برابر با مرد قبول نداشته اند. هنوز هم که هر روز می بینند، زنان خوب می درخشند و در هر کار مثبت و انسانی، هیچ دست کمی نسبت به مردان ندارند، باز هم فکر می کنند که زن سر و گردنی، نسبت به مردان کم دارند.

درج نام مادر در شناس نامه، برای بسیاری ها مقبول است و برابری شناس نامه و کسانیه که باور دارند، نام و هویت مادر تا اکنون در برابر نام پدر، کتمان شده مانده است، از این رویداد تاریخی و بی پیشینه، به گرمی استقبال کرده اند؛ اما یک بخش کوه تفکر و نابرابری شان شرمسار، باعث شدند که حکومت، بگوید: درج نام مادر در شناس نامه اختیاری است.

اختیاری بودن نام مادر در شناس نامه، با آن که در ظاهر فریبی ست برای این که مردم فکر کنند، آزادی فردی در جامعه نهفته است؛ در واقع، این فیصله از سر ترسی گرفته شده است که حکومت از بخش های سخت گیر و سنتی جامعه دارد. آن بخش ها و گروه هایی که هنوز هم طالبانی و تروریستی می اندیشند و از تغییرهای مثبت در زندگی زنان می ترسند و حتا از نام مادر و زنان خانواده و اجتماع شان به بهانه بی باور و غیرت، می ترسند و ترس شان این است که مبادا اگر زنان نام و هویت خود را بیابند، پس از چندی در پی دادخواهی برآیند و ستم های رواداشته شده بر خود، از سوی مردان را هم آشکار کنند.

وقتی با برخی از مردان و آدم هایی که فکر می کنند، انسانیت هم وارداتی و بیرون مرزها آمدگی است، در مورد وضعیت اجتماعی و چشمان خالی شان گپ بزیم، می گویند که وقتی در خانه باغ داشته باشیم، در بیرون هم در سایه ای درخت می نشینیم.

بدرتین تشبیه ها نسبت به زنان را به کار می برند، بی آنکه فکر کنند، زن انسان است، نه باغ است، نه درخت، نه گندم است و نه جو. آیا این آدم ها، وقتی دید انسانی نسبت به انسان زن را با دیدگاه چاکلیت و درخت پنداری تبدیل کرده اند، در مورد مادر و زنان خانواده خود، هم دقیق چنین فکر می کنند؟

باور به انسانیت، باید تقویت شود و زنان هم باید تلاش کنند تا کم کم به سوی تغییرهای خوب و تأثیرگذار حرکت کنند. ظرفیت کم خود زن، فقر شدید، سنت های شکننده و دوام جنگ برای زنان بسیار سدساز

صفحه ۳

زنان افغانستان در حال گذار

امکانات باشد، مستلزم تلاشی شگرف برای تغییر افکار عمومی جامعه است. ایجاد تحول در افکار عمومی جامعه به این دلیل سخت است که تفکرات حاکم، یک شبه به وجود نیامده اند که بتوان یک شبه آن را تغییر داد. اگر به دنبال تحول در جامعه هستیم، دستیابی به این هدف، نیازمند توجه جدی به نحوه آموزش در مکتب ها، دانشگاه ها و نهادهای آموزشی است. تنها با آموزش صحیح می توان به تغییر افکار عمومی امید بست و امیدوار بود که دست آوردهای تمدنی امروز ما، برای سالیان سال حفظ خواهند شد.

موضوع دیگری که باید بیش از همه مورد دیگر به آن توجه کرد، مساله آموزش زنان و دختران است. متأسفانه امروز هم شاهد آن هستیم که دختران کمتر از پسران به مکتب ها می روند و اگر از مکتب فارغ شده اند، کمتر کسی از آنها را می توان پیدا نمود که بدون دروس وارد دانشگاه شوند. رسم معمول و ناخوشایندی است که عقیده دارند، تحصیل تا پایان دوره مکتب برای یک دختر کافی است و دیگر نیازی به تحصیلات عالی ندارد. چنین باورهایی را باید از لوح فکری جامعه بستانیم و به افرادی که این اندیشه را در ذهن می پروراند بگوییم که دختران و زنان اگر با سواد و آگاه باشند، به همان اندازه می توانند جامعه را به سوی پلکان ترقی سوق دهند.

من یک معلمم، در سال ها تدریس در مکتب ها، بارها شاهد حضور دخترانی بوده ام که استعداد و توانایی بسیار شگفت انگیزی از خود در صنف های من نشان داده اند، اما متأسفانه با گذر زمان و بالا رفتن سن و مقطع تحصیلی شان، به یک باره مطلع می شدم که خانواده اش دیگر او را به مکتب نمی فرستند.

امورات فرهنگی ما، فعالیت های آموزشی و هر برنامه دیگری که برای تأمین منافع زنان در کشور روی دست گرفته ایم، باید بیش از هر موردی روی سیستم آموزشی متمرکز باشد تا بتوانیم با تغییر افکار جامعه، متضمن بقای دست آوردهای خویش باشیم.



پژوهش

کجھ حسین رهیاب بلخی

یک جریان غالب به شمار می رفت: «... در دوره های بسیار پیش، که هیچگونه امتیازات اجتماعی وجود نداشت مقام زن بسیار والا و حتی ممتاز بود.»

به همین دلیل به نظر می رسد که در دوره کشاورزی اولیه، سرپرستی و ریاست همچنان با زنان بوده است، ولی با به کارگیری حیوانات در کشاورزی و ایجاد روستاهای اولیه، دوره ریاست زنان نیز به پایان رسیده است. دوره شکارواری و کوچ نشینی از آن جهت که موجب تداوم ریاست زنان بود برای آنان ایده آل به شمار می رفت، اما کشاورزی خود به خود عامل مهمی در یکجا نشینی به شمار می رفت و به این صورت می توان گفت عوامل اصلی در ایجاد دوره پدر سالاری عبارت بوده است از:

۱- نقش جنسیت

عامل جنسی که شامل بارداری، زایمان، شیردانی و پرورد است، خود به خود موجب تفاوت زیستی و ساختاری میان مرد و زن می شود و همین عامل توانست به عنوان یک اهم بسیار مهم مورد توجه و استفاده مردان قرار گیرد. مردانی که روزگاری بسیاری را زیر

صفحه ۳



موضوع دیگری که باید بیش از همه موارد دیگر به آن توجه کرد، مساله آموزش زنان و دختران است. متأسفانه امروز هم شاهد آن هستیم که دختران کمتر از پسران به مکتب ها می روند و اگر از مکتب فارغ شده اند، کمتر کسی از آنها را می توان پیدا نمود که بدون دروس وارد دانشگاه شوند. رسم معمول و ناخوشایندی است که عقیده دارند، تحصیل تا پایان دوره مکتب برای یک دختر کافی است و دیگر نیازی به تحصیلات عالی ندارد.

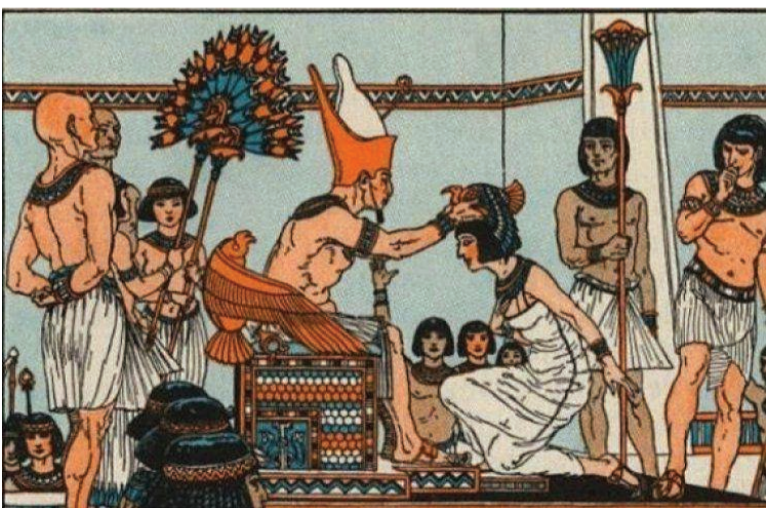
این رفتارهای نابرابرانه متأسفانه تنها در حریم خانواده وجود ندارد، بلکه نمونه های زیادی آن را می توان در محیط های اداری، آکادمیک و غیره نظاره نمود. برای احقاق حقوق زنان، تغییر در نگرش ها باید از اساس ایجاد گردد. تا زمانی که اساس فکری جامعه ما تغییر نکند، نمی توانیم به تغییرات صوری یا ظاهری که در برگزیده ی ظهور تحولات در نمادهاست امیدوار باشیم. شاید امروز عده ای از مردان و حتا زنان کشور ما لباس های شان تغییر کرده و در نوعیت آرایش و استایل آنها تغییرات به وجود آمده باشد، اما این بدان معنا نیست که تفکر و سطح دیدگاه آنان نسبت به مسايل هم تغییر کرده است. اینکه ما نمی توانیم به تغییرات در نمادها امیدوار باشیم به این دلیل است که با تغییر شرایط حاکم، این نمادها نیز تغییرات را در خود ایجاد خواهند کرد. حفظ دست آوردهای سالیان اخیر، بیش از آنکه نیازمند بودجه و

و مشارکت سیاسی اشاره نمود. با این حال بسیاری از ارزیابی ها وقتی این دست آوردها را با تعهدات تمویل کنندگان در آغاز ماموریت ناتو در افغانستان مقایسه می کنند، واضح می شود که پیشرفت از سال ۲۰۰۱ تا حالا، اگر کاملن ناامید کننده نبوده، حداقل ناهاهانگ بوده است، چرا که هنوز هم میزان شمولیت دختران در مکتب ها کمتر از پسران است، مادران از لحاظ دریافت خدمات بهداشتی هنوز به سطح قابل قبولی نرسیده اند و دولت تمایل کمی برای تطبیق برنامه ها و پالیسی هایی از خود نشان داده است که برای محافظت از زنان در برابر خشونت و یا تغییر عمل کرد دولت در قبال زنان طراحی شده اند.

در جامعه ای که ما زندگی می کنیم با وجود تغییرات مثبتی که نسبت به گذشته اتفاق افتاده است، هنوز هم نابرابری هایی آزار دهنده در تمام بخش های اجتماعی وجود دارد.

زنان در مسیر تاریخ

قسمت پنزدهم



که با درک نقش این عامل جدید، از آن بهره گرفته و با ابتکار و خلاقیت خود روش های نوینی ایجاد کردند. در اوایل این دوران چون هنوز زمینه ای برای امتیازطلبی و قدرت خواهی وجود نداشت، زنان نیز موقعیت خود را حفظ کرده و در بیش تر مناطق پدیده «مادرشاهی»

زن شد...»

تردیدی وجود ندارد که در ابتدا زنان کوشیدند با بازداشتن مردان از صحرانوردی و واداشتن آنها به کشاورزی، به زندگی خود رونق بخشیده و به تجربیات نوی دست یابند، ولی در ادامه ای این روند، این مردان بودند

در زمینه ای حقوق زنان افغانستان و مسؤولیت کشورهای عضو ناتو در برابر آنها، در حال حاضر دو نقطه نظر برجسته قابل مکت است. اول: نظری که از سوی فعالان داخلی حقوق زن و حامیان بین المللی آنان مطرح شده و به مسؤولیت کشورهای غربی در قبال زنان افغانستان اشاره داشته و خواهان حمایت آشکار، محکم و دوامدار آنها در این عرصه است. دوم: اما تأکید می کند که تغییر باید از درون جامعه به وجود آید و اینکه بایستی محدودیت هایی در زمینه ای حمایت تمویل کنندگان اعمال شود. برخی دیگر حتا از این هم فراتر رفته و ادعا می نمایند که تمویل و حمایت آشکار غرب، می تواند در زمینه ای حقوق زنان و آزادی های آنها نتایج معکوسی داشته باشد.

من در این یادداشت تلاش می کنم تا به این گونه نقطه نظرات و ادعاها بپردازم و این نوشتار، خاطر نشان می سازد که اگرچه تمویل کنندگان در حال حاضر احتمالن تأکید دارند که تغییرات باید از درون نهادهای محلی به وجود آید، اما این مساله آنها را از تعهدات اولیه ای شان در برابر زنان افغانستان رهایی نمی دهد. با این حال، ایجاد وضاحت در مورد اینکه چگونه می توانیم به پیشرفت دست یابیم، سازنده تر از این خواهد بود که فقط دولت های غربی را برای ناکامی شان در زمینه ای آوردن تغییراتی که در سال ۲۰۰۱ وعده آن داده شده بود، سرزنش کنیم. با تأکید بر اینکه راه های زیادی وجود دارد که دولت های غربی می توانند با توسل به آن به عنوان متحدان مفیدی برای فعالان حقوق زن در افغانستان کار کنند. اما بهترین شیوه برای برخورد با مساله ای جنسیتی در افغانستان، بر این اصل استوار است که کمک های تمویل کنندگان، نمی تواند جایگزین مناسبی برای بسیج سیاسی داخلی باشد.

از سال ۲۰۰۱ تا به امروز، بسیاری از مسايل برای بخش عظیمی از زنان در افغانستان تغییر کرده است. به عنوان مثال می توان به دست آوردهای اساس مانند دسترسی به آموزش، خدمات صحنی، اشتغال رسمی

عوامل ظهور جوامع پدرسالاری در قسمت های قبل به سیر تکاملی زندگی بشر از مراحل اولیه تا دوره کشاورزی اشاره کردیم و گفتیم که در دوره شکارواری که مردان در کوه ها، بیابان ها و جنگل ها برای سیر کردن شکم خود به دنبال شکار بودند، زنان به سوی یکجا نشینی کشیده شدند و استقرار آنان در مناطق خاص و در طی گذشت سال ها، موجب پدید آمدن برخی از تحولات و تغییر ساختاری در زندگی بشر شد. زنان به اهلی کردن حیوانات پرداخته و سپس به راز و قدرت باروری زمین پی بردند و در نتیجه انسان وارد مرحله نوینی گشت. همانگونه که مردان به شکار مشغول بودند، زنان به کشاورزی پرداختند و عواملی موجب شد که آرام آرام مردان نیز در کنار شکار به کشاورزی روی آورند. تصور می شود مردان شکارچی در ابتدا علاقهای به کشاورزی نشان نداده باشند، اما با گذشت زمان که زنان به انباشت غلات دست یافته و توانستند به ذخیره سازی غذا بپردازند، مردان به نقش و تأثیر کشاورزی پی برده و تدریجن آن را در اختیار گرفتند: «در دوران نوسنگی میانه... مرد به عنوان عامل تولید کشاورزی جانشین

- صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: فاطمه روشنیان
- سر دبیر و ویراستار: ملک مبارز
- گزارشگران: حسین احمدی، رویا طاها و لطیفه سادات موسوی
- عکاس: حمیده مهردل
- صفحه آرا: اولیا عماد
- توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲
- زیر نظر گروه نویسندگان

بازتاب تمام رخ زنان

- خوانندگان عزیز؛ نیم رخ بدون جهت گیری خاص سیاسی، مقالات و نوشته ها را از صاحب نظران نشر می کند.
- جز رویکرد نیم رخ، مسؤولیت مطالب دیگر به دوش نویسندگان است.
- هفته نامه ای نیم رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.



(هفته نامه نیم رخ) NimrokhWeekly

www.nimrokh.af

mail@nimrokh.af

0798898894